

ترجمہ مہا ابراہیم



نویسنده: افشین متین  
مترجم: ارسطو آذری

www.ketaboo.com

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

# تاریخ معاصر ایران

مجموعه تاریخ معاصر ایران - ۱۵

نشر و پژوهش شیرازه



www.KetabFarsi.com

متین، افشین، ۱۳۳۳ -

کنفدراسیون تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور  
۱۳۳۲-۵۷ / نویسنده افشین متین؛ مترجم ارسطو آذری. - تهران: مؤسسه  
نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۷۸.

۴۶۰ ص. - (مجموعه تاریخ معاصر ایران؛ ۱۵)

ISBN 964-6578-20-9: ۲۴۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار).  
کتابنامه: ص. [۴۲۸] - ۴۴۸.

۱. کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه  
ملی). الف. آذری، ارسطو، ۱۳۳۸. - مترجم. ب. عنوان.

۹۵۵/۰۸۲۴۰۴۵

DSR ۱۵۳۷ / الف ۷ کی ۹

۵۲۳ - ۷۸ م

کتابخانه ملی ایران



کنفدراسیون

تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور ۱۳۳۲-۵۷

نویسنده: افشین متین

مترجم: ارسطو آذری

طراح جلد: علی خورشیدپور

حروفچینی: مؤسسه جهان کتاب

لینوگرافی: کوثر

چاپ و صحافی: فاروس

چاپ اول: بهار ۱۳۷۸

نماد: ۳۳۰۰

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران. صندوق پستی: ۱۱۳۸ / ۱۹۳۹۵

تلفن: ۲۵۶۰۹۸۳

شابک: 964-6578-20-9 964-6578-20-9

# کنفدراسیون

تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی

در خارج از کشور ۵۷-۱۳۳۲

نویسنده: افشین متین

مترجم: ارسطو آذری

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

## فهرست مطالب

یادداشت دبیر مجموعه	نه
مقدمه	۱
درباره منابع و چگونگی تحقیق	۸
ساختار و شکل ارائه مطالب	۱۹
بخش‌های مختلف این بررسی	۲۱
فصل اول - تحصیل در خارجه و تأثیر آن بر ایران تا اواسط قرن بیستم	۲۹
اولین گروه از دانشجویان خارج از کشور تا	
سال‌های دهه ۱۳۰۰ شمسی	۳۰
اپوزیسیون دانشجویی علیه رضاشاه	۴۴
نخبگان تحصیلکرده در خارج و ایدئولوژی‌های غیرمذهبی	۵۲
پس از جنگ دوم جهانی	۵۲
فصل دوم - خاستگاه جنبش دانشجویی در ایران و خارج تا	
سال‌های پایانی دهه ۱۳۳۰	۵۹
حزب توده و سازمان دانشجویان دانشگاه تهران	۶۰
انجمن دانشجویان ایرانی و اتحادیه دانشجویان ایرانی در فرانسه	۶۶
فدراسیون انجمن‌های دانشجویی ایرانی در بریتانیا	۷۶

## شش کنفدراسیون

- ۸۰ ..... فدراسیون دانشجویان ایرانی مقیم آلمان  
تأسیس کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در اروپا (کنگره  
هایدلبرگ، آوریل ۱۹۶۰) ..... ۸۴  
۸۶ ..... سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا

## فصل سوم - دانشجویان، پیشگامان اپوزیسیون در ایران،

- ۹۷ ..... اروپا و ایالات متحده (۶۲ - ۱۹۶۰)  
۱۰۴ ..... کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اروپا، ۱۹۶۰ - ۶۱  
۱۱۰ ..... سازمان دانشجویان دانشگاه تهران  
۱۱۹ ..... سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا به اپوزیسیون می‌پیوندند

## فصل چهارم - کنفدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی، اتحادیه ملی

## فصل پنجم - زبان گلوله‌ها: به سوی چرخشی جدید

- ۱۵۵ ..... در گفتار و در عمل (۱۹۶۳ تا ۱۹۶۴)  
۱۷۰ ..... پس از نقطه عطف ۱۳۴۲: بن‌بست اپوزیسیون  
۱۷۷ ..... دگرگونی‌های اپوزیسیون در ایران و خارج در سال ۱۹۶۴

## فصل ششم - رادیکالیسم و مبارزه مسلحانه: شعله‌های آتش برفراز

- ۱۹۵ ..... دماوند (۱۹۶۵-۶۷)  
۲۰۰ ..... سازمان انقلابی حزب توده ایران  
۲۰۷ ..... کنفدراسیون در گذار: کنگره چهارم (۱۹۶۵)  
۲۱۷ ..... «توطئه قتل شاه» در ۱۹۶۵  
عقب‌نشینی کنفدراسیون در سال ۱۹۶۶ و جهت‌گیری‌های نوین  
۲۲۵ ..... گروه‌های تبعیدی

## فصل هفتم - دانشجویان ایرانی به «رویاری جهانی»

- ۲۴۱ ..... می‌پیوندند (۱۹۵۹-۱۹۶۷)



## فهرست هفت

کنفدراسیون به مثابه یک سازمان «ضدامپریالیستی، دموکراتیک و

۲۵۷ ..... خلقی» (۱۹۶۸)

۲۶۷ ..... سال اقتدار مائونیست‌ها

## فصل هشتم - «توطئه بزرگ ضد ایرانی» و غیرقانونی شدن

۲۸۱ ..... کنفدراسیون (۱۹۷۰-۱۹۷۱)

۲۹۳ ..... دیدار از ایران: حمله و ضدحمله

۳۰۲ ..... انقلاب آموزشی، غیرقانونی شدن کنفدراسیون (۱۹۷۱)

۳۱۹ ..... تأثیر جنبش چریکی بر اپوزیسیون

## فصل نهم - از حمایت از مبارزات مسلحانه و سرنگونی رژیم تا

۳۲۵ ..... آخرین انشعاب کنفدراسیون (۷۵-۱۹۷۲)

۳۲۸ ..... دفاع از چریک‌های ایرانی و دانشجویان فلسطینی (۱۹۷۳)

۳۴۴ ..... جناح‌بندی‌ها و موارد اختلاف در سال‌های پایانی کنفدراسیون (۷۴-۱۹۷۳)

۳۵۵ ..... فراخوان به سرنگونی شاه؛ از سانفرانسیسکو تا بمبئی (۱۹۷۴)

۳۶۲ ..... فروپاشی کنفدراسیون: کنگره شانزدهم (۱۹۷۵)

## فصل دهم - نقش دانشجویان در جنگ تبلیغاتی پیش از انقلاب

۳۸۳ ..... افشای ساراکی و حرکت در جهت اتحاد مجدد کنفدراسیون، ۷۷-۱۹۷۶

۳۸۹ ..... سهم اپوزیسیون دانشجویی در انقلاب ایران (۷۸-۱۹۷۷)

۴۰۵ ..... نتیجه‌گیری

۴۱۳ ..... ضمیمه ۱ - اساسنامه کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی

۴۲۱ ..... ضمیمه ۲ - منشور کنفدراسیون جهانی

۴۲۵ ..... کتابشناسی

۴۴۷ ..... فهرست اعلام



### یادداشت دبیر مجموعه

در دوره‌ای کم و بیش بیست‌ساله در فاصله سالهای میانی دهه ۱۳۳۰ تا فروپاشی سلطنت پهلوی در آستانه انقلاب اسلامی، به دلیل خودکامگی و استبداد نظام حاکم عرصه بر هرگونه فعالیت سیاسی مستقل محدود بود. نه فقط نیروهای سیاسی مخالف که حتی طیف نسبتاً چشمگیری از نیروهای همراه نظام نیز به دلیل عدم تطابق تام و تمام با منویات دستگاه زمینه فعالیت نداشتند. ولی این به معنای تعطیل تکاپوی سیاسی نبود. جامعه، آن هم جامعه‌ای دستخوش انبوهی از تغییرات سریع اجتماعی و اقتصادی چون ایران آن روز، آمال و خواسته‌های خود را ناگزیر به نحوی از انحاء بیان می‌داشت؛ گذشته از تحركات سیاسی داخلی - چه به هنگام بروز نسبتاً آشکار و گسترده در سال‌های پایانی دهه ۱۳۳۰ و سال‌های نخست دهه ۱۳۴۰ و چه به وقت سیر مخفی و پنهانی که این تحركات در ادوار قبل و بعد از دوره فوق‌الذکر به خود گرفت - جنبش دانشجویی ایران در خارج از کشور به مهمترین وجه بیان این آمال و خواسته‌های سرکوب شده تبدیل گردید.

از یک سو تقارن این دوره با مرحله‌ای از رشد و ثبات اقتصادی داخلی که از لحاظ اعزام دانشجویان به خارج امکانات گسترده‌ای را فراهم آورد و همچنین هم‌زمان شدن این تحول با اعتلای جنبش‌های دانشجویی در بسیاری از نقاط جهان، از جمله اروپا و ایالات متحده که هر دو کانون اصلی جذب دانشجویان ایرانی بودند، زمینه شکل‌گیری این حرکت را فراهم آورد و از سوی دیگر خودکامگی حاکم بر ایران نیز این زمینه را بارور ساخت. حاصل کار چنان‌که در این بررسی ملاحظه خواهد شد، شکل‌گیری یک حرکت گسترده و منسجم

دانشجویی بود که به شکل کنفدراسیون دانشجویان ایرانی متبلور گردید. اگرچه کنفدراسیون در خلال حیات پر فراز و نشیب خود از ارتباط پیوسته‌ای با تحولات داخلی کشور برخوردار نبود و حتی می‌توان گفت تا پیش از فروپاشی و انحلالش در آستانه انقلاب و بازگشت بسیاری از فعالین آن به کشور بر این تحولات تأثیر قابل توجهی نیز بر جای نگذاشت، ولی از جهاتی چند تاریخ سیاسی ایران معاصر بدون آگاهی از تاریخچه فعالیت‌های دانشجویان ایرانی در خارج از کشور، نمی‌تواند تاریخ کاملی باشد. زیرا در درجه اول همان‌گونه که خاطرنشان گردید، بخش مهمی از خواسته‌ها و نگرانی‌های بخش وسیعی از نیروهای سیاسی کشور و همچنین خبر فعالینهای گوناگون مخالفان نظام که در داخل کشور مجال طرح نداشت، از طریق کنفدراسیون مطرح می‌شد. کنفدراسیون بیانگر رشته التهاباتی از بطن جامعه ایران بود که در آن دوره به دیده بسیاری از ناظران داخلی و خارجی تحولات کشور نیامد و نادیده انگاشته شد. التهاباتی که تنها در آستانه فروپاشی نظام پهلوی صورتی آشکار و صریح یافت. دلیل دیگری که در اهمیت این بررسی تاریخی می‌توان برشمرد تأثیر تجربه کنفدراسیون بر تحولات سیاسی ایران هم در خلال شکل‌گیری انقلاب اسلامی است و هم در تحولات اولیه آن. بازتاب گسترده کاستی‌ها و نارسایی‌ها رژیم پهلوی، بویژه از لحاظ پایمال حقوق انسانی و بی‌ثباتی سیاسی ناشی از این کاستی‌ها، که در قطع حمایت جهانی از نظام حاکم واقع شد، بدون پشتوانه سیاسی و تشکیلاتی کنفدراسیون امکان بروزی چنین گسترده نداشت. علاوه بر این آراء و عقاید بر آمده از نهضت دانشجویان ایرانی در خارج از کشور و همچنین تجارب سیاسی و تشکیلاتی فعالین این حرکت بر فضای سیاسی کشور در سالهای اول انقلاب آثار قابل توجهی بر جای نهاد. اگرچه بخش مهمی از این تأثیر را در نحوه شکل‌گیری و عملکرد حرکت‌های متنوع چپ و گروه‌های مخالفی می‌توان ملاحظه کرد که در این سال‌ها در ایران فعالیت داشتند ولی سهم تجربه عملی و نظری اعضاء سازمان‌ها و انجمن‌های اسلامی‌ای که در قالب این حرکت کلی شکل گرفته و تکاپو داشتند نیز در شکل دادن به نظام برآمده از انقلاب، سهم درخور توجهی بوده است.

## مقدمه

حملات مطبوعاتی، تروریسم، شورش‌های دانشجویی، شروع فشار غرب برای ایجاد فضای باز سیاسی، همه دست به دست هم داده ارکان دولت و حکومت را در نیمه دهه ۱۹۷۰ هدف گرفته بودند.

محمدرضا پهلوی، پاسخ به تاریخ، ۱۹۸۰

تا امروز سرشناس‌ترین گروه مخالف (دولت ایران) را ۲۰۰۰۰ دانشجوی ایرانی خارج از کشور تشکیل می‌دهند که به طور گسترده توسط کنفدراسیون سازماندهی می‌شوند.

کریستین ساینس مونیتور، ۲ دسامبر ۱۹۷۱

کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی، اتحادیه ملی که با عنوان CISNU<sup>۱</sup> یا کنفدراسیون از آن یاد می‌شود، سازمانی بود متشکل از دانشجویان ایرانی مقیم کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده که در دوران فعالیتش، یعنی طی سال‌های دو دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۶۰ به عنوان مهم‌ترین بلندگوی اعتراض نیروهای مخالف رژیم ایران به حساب می‌آمد؛ نیروهایی که در داخل کشور سرکوب شده بودند. هرچند در

---

1. Confederation of Iranian Students, National Union.

کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی، اتحادیه ملی.

تحقیقات آکادمیک مربوط به تاریخ معاصر ایران معمولاً از این پدیده صحبت زیادی نمی‌شود، اما تحقیق حاضر بیانگر آن است که این سازمان همراه با نیروهای مخالف داخل کشور به عنوان یکی از فعال‌ترین و استوارترین نیروهای مخالف رژیم شاه طی دو دهه قبل از انقلاب ۱۳۵۷ حضوری مستمر و فعال داشته است؛ در طول پانزده سال یعنی بین سرکوب نیروهای مخالف در خرداد ۱۳۴۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، کنفدراسیون تنها تشکیلات و پایگاه منسجم و شناخته‌شده‌ای بود که آشکارا و به گونه‌ای مؤثر از طریق بسیج هزاران دانشجوی ایرانی خارج از کشور به مخالفت با رژیم پهلوی می‌پرداخت. نقش بسیار مهمی در به تصویر کشیدن رژیم شاه به عنوان رژیم سرکوبگر ایفاء نمود و بدین طریق مشروعیت و حمایت بین‌المللی از آن را تضعیف کرد. کنفدراسیون از طریق تظاهرات گسترده و مبارزات آشکار، در جلب نظر رسانه‌های بین‌المللی، سازمان‌های حقوق بشر، دولت‌ها و سازمان‌های سیاسی مختلف نسبت به سرکوب و اختناق در ایران تأثیر به‌سزایی داشت و بدین ترتیب تا حدودی رفتار خودسرانه رژیم نسبت به قربانیان سیاسی خود را تعدیل و مهار می‌کرد.

گذشته از این، کنفدراسیون به رغم همه نارسائی‌هایش تجربه‌ای ماندنی و موفق در زمینه سیاست‌های چند حزبی نیز محسوب می‌شود. پدیده‌ای که در ایران سده بیستم، یعنی کشوری با فرهنگ سیاسی مبتنی بر اقتدارگرایی و فرقه‌گرایی، استثنایی و منحصر به فرد است. این سازمان ده‌ها هزار جوان ایرانی را با مسؤلیت اجتماعی، اهداف سیاسی و وابستگی‌های گروهی آشنا کرد، پدیده‌ای که نظیرش در جامعه به مراتب بزرگ‌تر و غنی‌تر ایرانیان در خارج کشور در دوران بعد از انقلاب مشاهده نشد. و بالاخره کنفدراسیون نقش مهمی در جنبش‌های چپ دانشجویان و جوانان در دهه‌های ۱۹۷۰ - ۱۹۶۰ در اروپا و آمریکا ایفا و از جنبش‌ها و

مبارزات کشورهای جهان سوم مثل کوبا، ویتنام، فلسطین و آمریکای جنوبی فعالانه حمایت می‌کرد. کنفدراسیون از نظر وسعت فعالیت‌ها، قابلیت انجام کارها و نفوذ سیاسی، همان‌گونه که ملاحظه خواهد شد به نحو مطلوبی با معروف‌ترین سازمان‌های چپ دانشجویی دوران معاصر مثل سازمان آمریکایی «دانشجویان برای برقرار جامعه دموکراتیک»<sup>۱</sup> یا «انجمن دانشجویان سوسیالیست آلمانی»<sup>۲</sup> قابل مقایسه است.

آنچه که در پی می‌آید، به رغم اهمیت موضوع اولین گزارش جامع از تاریخ کنفدراسیون است.<sup>۳</sup> عدم توجه به اهمیت کنفدراسیون و به طور کلی جنبش دانشجویی ایران بیشتر به دلیل کاستی‌های فکری، عقیدتی و روش‌شناسی در تحقیقات تاریخی مربوط به ایران است. بر اساس بررسی‌هایی که در این کتاب منعکس شده است یکی از نخستین نکاتی که به چشم می‌آید آن است که دو دهه اعتراضات مداوم و فزاینده توسط یک جنبش فعال دانشجویی در عرصه بین‌المللی نشانه آشکاری از مخالفت شدید و ریشه‌دار نسبت به رژیم شاه بوده است. شواهد بسیار زیادی از فعالیت‌های مخالفان رژیم در سال‌های ۷۰-۱۹۶۰ در مطبوعات اروپا و آمریکا وجود دارد. با این وجود و به رغم این همه اسناد و مدارک. کارشناسان مسائل ایران و از جمله تقریباً تمامی محافل آکادمیک در جدی گرفتن این مخالفت گسترده کوتاهی کرده‌اند و بدین ترتیب با برآمدن انقلاب ۱۳۵۷ دچار بهت و حیرت شدند. یکی از منتقدین، این

1. Students for a Democratic Society (SDS)

2. Sozialistischer Deutscher Studentebund

۳. کتاب حاضر براساس پایان‌نامه دکترای نگارنده اثر با عنوان «جنبش دانشجویی خارج از کشور: کنفدراسیون دانشجویان ایرانی / اتحادیه ملی (۷۵-۱۹۶۰)» در دانشگاه کالیفرنیا به رشته تحریر درآمده است.

"The Iranian Student Movement Abroad: The Confederation of Iranian Students / National Union (1960-75)." UCLA, 1993.

کاستی و کوتاهی را چنین بازگو می‌کند:

سردرگمی کارشناسان ایران عصر پهلوی در اثر سقوط شاه و به قدرت رسیدن روحانیت به علت فقدان اطلاعات آنان نبود، زیرا اطلاعات به اندازه کافی در دسترس بود. بهتر است گفته شود، این یک بحران بینش، یک نوع عدم شناخت و روشن بینی واقعیت‌های ایران بود که علت آن را می‌توان به نوع نظریه‌های غالب در سال‌های دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در زمینه توسعه ریشه‌یابی کرد.<sup>۱</sup>

و باز طبق نظر یک کارشناس دیگر مسائل ایران:

... در شرایطی که گردانندگان رسانه‌های جمعی آمریکا در مطرح کردن مسائل حساس و بحران‌زای ایران کوتاهی کردند، عناصر دانشگاهی نیز کارچندان درخشانی ارائه ندادند... بسیاری از تحقیقات مربوط به مسائل ایران معاصر به گونه‌ای شگفت‌انگیز غیرانتقادی بودند. محافل آکادمیک اغلب با رژیم شاه ارتباط مستقیم داشتند و اگرچه بسیاری از محققین ممکن است در سطورح شخصی لب به شکره و انتقاد می‌گشودند، اما در آثار خود و موضع‌گیری‌های علمی بسیار محافظه‌کار بودند.<sup>۲</sup>

نتیجه‌گیری‌های یک کمیته تحقیق ویژه کنگره آمریکا در خصوص شکست‌های سازمان اطلاعاتی آمریکا در ایران با ارزیابی فوق موافق است: «ارتباط تنگاتنگ ایالات متحده با شاه امکان ارتباط مخالفین شاه با مقامات آمریکایی را محدود می‌کرد و این باعث می‌شد تا ایران به

1. Mohsen Milani, *The Making of Iran's Islamic Revolution: From Monarchy to Islamic Republic* (Boulder and London: Westview Press, 1988), 21-22.

2. James A. Bill, *The Eagle and the Lion: The Tragedy of American-Iranian Relations* (Austin: University of Texas Press, 1988), 372.



صورت یک جامعه کاملاً بسته‌ای در دیدگاه آمریکاییان درآید»<sup>۱</sup>. گفته می‌شود که انحراف در دیدگاه‌های کارشناسان مسائل ایران، ریشه در نگرش «شاه‌مداری»<sup>۲</sup> یا «پهلوی‌مداری»<sup>۳</sup> خط‌مشی سیاسی آمریکا در قبال ایران دارد.<sup>۴</sup> هرچند این نظریه برای توضیح روابط ایران و آمریکا

1. Quoted in Marvin Zonis, *Majestic Failure: The Fall of the Shah* (Chicago and London: The University of Chicago Press, 1991), 267.

2. "Shah-centric" in *Majestic Failure*, 268.

برای آگاهی بیشتر از بحث «ناکامی متخصصان» ر.ک

Milani, 21-27; Bill, chapters 9-11; and Zonis, chapter 10.

در قبال این نوع انتقادهای عنوان شد. ر.ک

Nikki R. Keddie, "Can Revolutions Be Predicted, Can Their Causes Understood?" in *Contention*, vol.1, no.2 (Winter 1992), 159-82. Be

البته در بین صاحب‌نظران ایران در عصر پهلوی دیدگاه‌های دیگری غیر از آنچه که گفته شد وجود داشت. این روشنفکران بیشتر شامل افرادی می‌شدند که از نظر سیاسی دیدگاهی انتقادی و مخالف نسبت به رژیم شاه داشتند. ر.ک به:

Hamid Algar, "The Oppositional Role of the Ulama in Twentieth Century Iran," in Nikki R. Keddie, ed., *Scholars, Saints, and Sufis: Muslim Religious Institutions since 1500* (Berkeley and Los Angeles: University of California Press, 1972), 231-55; Fred Halliday, *Iran: Dictatorship and Development* (New York: Penguin, 1979) and Richard Cottam, *Nationalism in Iran* (Pittsburgh University of Pittsburgh Press, 1964).

3. "the Pahlavi premise" in *The Eagle and the Lion*, 436-37.

۴. برای تحلیل و چگونگی جابجایی از «توسعه مدرنیسم» تا «تجدید حیات اسلام» در کشورهای مسلمان که در مطالعات آکادمیک کشورهای غربی و با در نظر گرفتن تأثیر انقلاب ۱۳۵۷ ایران مورد توجه قرار گرفته است. ر.ک به:

Edmund Burke, III, "Islam and Social Movements: Methodological Reflections" in Edmund Burke, III, and Ira M. Lapidus, eds., *Islam, Politics, and Social Movements* (Berkeley and Los Angeles: University of California Press, 1988), 17-35

برای نقد سیاست قدرت و تأثیر آن بر مطالعات آکادمیک ر.ک

*The Soviet Socialist Republic of Iran 1920-21* (Pittsburgh and London: University

می تواند از اعتباری برخوردار باشد، اما به طور کلی می توان گفت که این گونه اشتباهات به یک پدیده رایج در نظریه شناخت یعنی «نگرش

→

of Pittsburgh Press 1995), introduction;

H.E. Chehabsi, *Iranian Politics and Religious Modernism: the همچنین ر.ک Liberation Movement of Iran under the Shah and Khomeini* (Ithaca, New York: Cornell University Press, 1990).

Ervand Abrahamian, *The Iranian Mojahedin* (New برای نهضت های سیاسی ر.ک: London: Yale University Press, 1989) and *Khomeinism: Essays on the Islamic Republic* (Berkeley: The University of California Press, 1993); Ali Rahnama and Farhad Nomani, *The Secular Miracle: Religion, Politics and Economic Policy in Iran* (London and : Zed Books Ltd, 1990). and Fred Halliday, "The Iranian Revolution: Uneven Development and Religious Populism," in Fred Halliday and Hamza Alavi, eds., *State and Ideology in the Middle East and Pakistan* (London: Macmillan Education, 1988), 31-63.

این بررسی ها بیانگر آن است که مباحث نظری و همچنین عملکرد نوگرایان دینی در چارچوبی اجتماعی - سیاسی جریان دارند که تحت تأثیر گرایش های جاری میان ناسیونالیست های لائیک و چپ قرار دارد. ر.ک:

Nikki R. K. Deddie, "Iranian Revolutions in Comparative Perspectives" in *American Historical Review*, 88 (1983): 579-98; Paul Vieille, Farhad Khosrokhavar, *Le Discours Populaire de la Révolution Iranienne* (Paris: Contemporaneite, 1990); Hamid Dabashi, *Theology of Discontent: The Ideological Foundations of the Islamic Revolution* (New York University Press, 1993); and Bernard Hourcade, 36 (1985): 138-58.

برای آگاهی از جنبش فراموش شده کارگری در ایران:

Habib Ladjevardi, *Labor Unions and Autocracy in Iran* (Syracus, New York: Syracuse University Press, 1985); and Assef Bayat, *Worker and Revolution in Iran* (London: Zed Books, 1987).

مطالعات و تاریخ نهضت زنان در ایران از جمله مضامین تحفیفی می باشند که تا حدودی تحت تأثیر رشد اخیر تحقیقات اخیر غرب در این زمینه به شکوفایی نسبی ای یافته اند.

Azar Tabari and Nahid Yeganeh, *The Shadow of Islam* (London: Zed, 1982):

←

قدرت - مدارانه» مربوط می‌شود. «نگرش قدرت - مدارانه» به این تمایل دارد که پدیده‌های اجتماعی و تاریخی را عمدتاً از طریق مطالعه شخصیت‌ها، ساختارها و یا نهادهایی مسلط مورد بررسی قرار دهد.

انقلاب و پیامدهای آن باعث شد تا تحولی ناگهانی در دیدگاه‌های رایج آکادمیک نسبت به ایران به وجود آید که این امر به نوبه خود در طی سالهای دهه ۱۹۸۰ منجر به انتشار آثار زیادی درباره نهادها، ایدئولوژی‌ها و به طور کلی هر موضوعی که به نحوی مرتبط با جمهوری اسلامی ایران بود گردید. این نگرش نو را می‌توان ترمیم یا تصحیح روش نادرست گذشته تلقی کرد. ولی در حقیقت هنوز هم تداوم همان نگرش گذشته است که جامعه را قبل از هر چیز از طریق نهادهای سیاسی، فرهنگی و افکار عمومی مسلط بر آن، مورد توجه قرار می‌دهد. در مطالعات و تحقیقات آکادمیک در رابطه با حرکت‌ها و دیدگاه‌های مختلف سیاسی، گرایش‌های فرهنگی و اجتماعی غیررسمی و غیرمسلط، یا به عبارتی گرایش‌ها حاشیه‌ای در ایران همچنان به ندرت صورت می‌گیرد. و این در حالی است که دقیقاً مطالعه این گونه موارد است که به ما کمک می‌کند تا

Guity Nash'at, *Women and Revolution in Iran* (Boulder, Colo.: Westview, 1983); Farah Azari, ed., *Women of Iran: The Conflict with Fundamentalist Islam* (London: Ithaca Press, 1983); Eliz Sanasarian, *The Women's Rights Movement in Iran: Mutiny, Appeasement and Repression from 1900 to Khomeini* (New York: Praeger Publishers, 1982); Valentine M. Moghadam "Women, Work and Ideology in the Islamic Republic," *International Journal of Middle East Studies* 20, no.2 (1988): 221-43; Shahla Hairi, *Law of Desire: Temporary Marriage in shi'ia Iran* (New York: Syracuse University Press, 1989); Fariba Adelkhah, *La Révolution sous le voile: Femmes islamiques d'Iran* (Paris: Editions Karthala, 1991); and Parvin Paidar, *Woman and the Political Process in Twentieth-century Iran* (Cambridge: Cambridge University Press, 1995).

ماهیت دیدگاه‌های مختلف و نیز تناقضات درونی فرهنگ سیاسی حاکم بر جامعه و نیز برخورد اجتناب‌ناپذیر آن با عناصر و نیروهای غیررسمی و حاشیه‌ای را بهتر درک نماییم.<sup>۱</sup>

### درباره منابع و چگونگی تحقیق

اولین و بزرگترین مانع در نگارش تاریخچه کنفدراسیون، تازگی موضوع بود و این بدان معناست که همه منابع و مطالب مربوط باید شناسایی و جمع‌آوری و یا از نوشته‌های پراکنده در گوشه و کنار تهیه شود. علاوه بر آن، تنظیم روایتی کامل و یکدست از رخدادها نیز مشکلی عمده بود. تاریخ جنبش دانشجویی در ایران هنوز مورد مطالعه قرار نگرفته و آثار فراوانی که درباره جنبش بین‌المللی دانشجویان وجود دارند، نمی‌توانستند چندان کمکی به مطالعه اخیر بکنند. چرا که کنفدراسیون در بسیاری موارد با دیگر سازمان‌های دانشجویی قابل مقایسه نبود. کنفدراسیون جنبشی از دانشجویان جهان سوم بود با شعباتی پراکنده در

۱. در این زمینه، رک. به:

Philip G. Altbach, *Student Political Activism: An International Reference Handbook*, 1989.

در این کتاب، جنبش‌های دانشجویی در مقایسه با جنبش‌های عمومی در کشورهای جهان سوم و نیز در سطوح بین‌المللی مورد مطالعه قرار گرفته است. البته توجه عموماً بر جنبش‌های دانشجویی درون کشورها معطوف بوده است. درباره جنبش‌های دانشجویی در خاورمیانه، رک. به:

Ahmed Abdalla, *The Student Movement and National Politics in Egypt: 1923-1973* (London: Zed Books, 1985), A. Brand, *Palestinians in the Arab World: Institution Building and The Search for state* (New York: Columbia University Press, 1988).

که جنبه‌های محلی امر را در نظر دارد در این کتاب، بخشی به «سندبکای عمومی دانشجویان فلسطین» و نقش آن در جنبش سیاسی فلسطین در خارج از کشور اختصاص داده شده است و به این دلیل وجوه مشابهی با نقش کنفدراسیون قابل رؤیت است.

سراسر اروپا، ایالات متحده امّا، علیرغم این پراکندگی، کنفدراسیون از سازمان متحد و منسجمی برخوردار بود و شعبات آن ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر داشتند. از طرف دیگر کنفدراسیون یک سازمان کاملاً تبعیدی نیز نبود. زیرا بسیاری از اعضای آن به طور منظم به کشور خود باز می‌گشتند. فرادستی نیروهای اسلامی در انقلاب و ادعای برتری ایدئولوژیکی آنان که به کم‌اهمیت قلمداد شدن نقش نیروهای غیرمذهبی مخالف رژیم شاه در رویدادهای سیاسی دو دهه پیش از انقلاب منجر شده است، نکته دیگری است که باید در تحریر تاریخچه کنفدراسیون مورد توجه قرار گیرد.

همه این عوامل ایجاب می‌کرد که در این بررسی، بازسازی تاریخچه کنفدراسیون از منابع دست اول و خارج از چارچوب و ضوابط مطالعات مربوط به ایران‌شناسی و جنبش‌های بین‌المللی دانشجویی صورت گیرد. از آنجا که شخصاً در دوران دانشجویی تا اندازه‌ای با فعالیت‌های کنفدراسیون آشنایی داشتم، به تدریج با بعضی از فعالین آن ارتباط برقرار کرده و به کمک آنان اطلاعات و منابع تاریخی مورد نیاز را جمع‌آوری کردم. رجوع به اعضای عادی کنفدراسیون غیرممکن بود. چون این افراد بدون ارتباط با یکدیگر در نقاط مختلف جهان پراکنده بودند. درست است که رهبران نمی‌توانند تجربیات اعضای عادی را بازگو کنند ولی در عوض دیدگاه‌های شان به دلیل موقعیت شان در درون سلسله مراتب تشکیلات و تجربیات طولانی به مراتب گسترده‌تر از یک عضو عادی بود. به هر صورت پس از گردآوری منابع قابل توجهی از اطلاعات مورد نظر طبقه‌بندی مطالب به صورت زیر امکانپذیر شد.

۱. مقدم بر همه، نشریات خود کنفدراسیون بود. گزارش کامل فعالیت‌های کنفدراسیون را می‌توان در دو نشریه رسمی این سازمان با عناوین ماهنامه شانزدهم آذر و «ارگان دفاعی» کنفدراسیون به نام پیمان

یافت. شانزدهم آذر از ماه نوامبر ۱۹۶۵ و پیمان (دوره جدید) از ژوئیه ۱۹۶۸ به طور مرتب به چاپ می‌رسید. هر دو آنان تا انشعاب نهایی کنفدراسیون در سال ۱۹۷۵ به طور منظم چاپ می‌شدند. بعد از انشعاب، گروه‌های مختلف منشعب از کنفدراسیون همچنان از عناوین فوق برای نشریات گروهی خود استفاده می‌کردند. در هر حال موفق شدم که مجموعه تقریباً کامل نشریات شانزدهم آذر و پیمان را تا زمان انشعاب گردآوری کنم. علاوه بر آن، بعضی از نشریاتی (که تحت همان عناوین) توسط شاخه‌های گوناگون کنفدراسیون پس از سال‌های ۱۹۷۵ به چاپ رسیده بود را نیز تهیه کردم. یکی دیگر از نشریات ادواری مهم این دوران نامه پارسی فصلنامه فرهنگی کنفدراسیون است که در حقیقت به شکل نامنظم بچاپ می‌رسید. سرمقاله‌های آن از لحاظ انعکاس گرایش‌های سیاسی - فرهنگی کنفدراسیون اهمیت فراوان دارد. کنفدراسیون همچنین دارای یک نشریه رسمی تحت عنوان ایران رپورت بود که به زبان انگلیسی و با ترجمه‌هایی به زبانهای آلمانی، فرانسوی و ایتالیایی به چاپ می‌رسید. علاوه بر این نشریات اصلی، شاخه‌های بزرگتر کنفدراسیون نیز در چند شهر، نشریات وابسته به خود را هم به زبان فارسی و هم به زبان کشور میزبان منتشر می‌کردند. از جمله مهم‌ترین آنها، دانشجو بود که ارگان سازمان دانشجویان ایرانی در ایالات متحده IS AUS<sup>۱</sup> است. یکی دیگر از منابع اصلی که نمی‌توان آنرا نادیده گرفت، گزارش‌ها و قطعنامه‌های کنگره سالیانه کنفدراسیون با عنوان «گزارشها و مصوبات کنگره کنفدراسیون» است. این کنگره‌ها معمولاً با حضور صدها نماینده و ناظر که از اعضای کنفدراسیون کشورهای مختلف بودند، برگزار می‌شد. نمایندگان، گزارش‌های رسمی مربوط به فعالیت‌های سال جاری را استماع، کادر رهبری جدید را انتخاب کرده و در توضیح اهداف و

1. Iranian Students Association in the United States

موضوعات و مضامین خاص روز، قطع نامه‌هایی را تصویب می‌کردند. کنگره سالیانه، با  $\frac{2}{3}$  آراء نمایندگان می‌توانست اساسنامه کنفدراسیون را تغییر و یا اصلاح نماید.

سازمان دانشجویان ایرانی در ایالات متحده به طور منظم کنگره سالیانه خود را برگزار می‌کرد به طوری که اسناد و قطعنامه‌های آن یک منبع مهم اطلاعاتی است. بعضی دیگر از اسناد رسمی منتشر شده، گزارش‌های سمینارهای کنفدراسیون است، یعنی جلسات سالیانه‌ای که به مناسبت‌های ویژه برای بحث و بررسی موضوعات مشخص و یا چگونگی برخورد با مسائل گوناگون برگزار می‌شد. گذشته از نشریات فوق؛ کنفدراسیون بیانیه‌ها، اعلامیه‌ها، گزارشات مطبوعاتی، مجلات ویژه، جزوات و کتابچه‌های بیشماری را به زبان فارسی و دیگر زبان‌ها چاپ و منتشر می‌کرد. بعضی از این منابع حاوی اطلاعات قابل توجهی هستند، به ویژه در مورد نکات جزئی و پراکنده‌ای که معمولاً در ارگان‌های رسمی، ملی و بین‌المللی منعکس نمی‌شود. و بالاخره یک سری نشریات مستقل دانشجویی که قبل و یا طی دوران تشکیل کنفدراسیون چاپ شده و دارای اطلاعات ارزشمندی درباره چگونگی پیدایش سازمان است.<sup>۱</sup>

۱ این نشریات شامل یاد، ارگان فدراسیون انجمن دانشجویان ایرانی در بریتانیای کبیر و نیر نشریه اتحادیه دانشجویان ایرانی مقیم اینالیا (رم)؛ پیمان، نشریه ویژه انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه لیدز؛ همگام که توسط دانشجویان ایرانی مقیم هامبورگ منتشر می‌شد؛ پگاه، نشریه انجمن دانشجویان ایرانی در منچستر، پژوهش، ماهنامه انجمن دانشجویان ایرانی در انگلستان، نامه‌پارسی که «مدافع افکار ایرانیان اروپا» در ۱۹۵۹ و اولین ارگان کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اروپا در ۱۹۶۰ است. پندار که «فصلنامه مستقل دانشجویی» بود در کمبریج ماساچوست به چاپ می‌رسید، ایران‌نامه، «نشریه دانشجویان ایرانی ایالات متحده» در نیویورک و شانزده آذر (که نباید آن را با ارگان اتحادیه ملی بنام شانزدهم آذر اشتباه گرفت) و از انتشارات ایران نامه بود در نیویورک به چاپ می‌رسید.

در ۱۹۹۰ پس از گذشت پنج سال از جمع‌آوری داده‌های موجود و بیش از یکسال تحقیق در اروپا، به این نتیجه رسیدم که عجبالتاً مجموعه کامل‌تری از اسناد کنفدراسیون - خارج از آنچه که جمع‌آوری کرده‌ام - وجود ندارد. تنها یک آرشیو دانشگاهی با عنوان کتابخانه اسناد بین‌المللی معاصر (BDIC) در دانشگاه نانتر<sup>۱</sup> در نزدیکی پاریس دارای یک مجموعه ناقص و کوچک از انتشارات کنفدراسیون است. کتابخانه‌های ملی بزرگ و مؤسسات فرهنگی مثل کتابخانه ملی فرانسه، و کتابخانه سوربن و نیز مؤسسه مطالعات شرقی و آفریقایی در لندن تقریباً مدارک قابل توجهی در اختیار نداشتند. در کتابخانه عمومی و دانشگاهی فرانکفورت یعنی شهری که روزگاری ستاد عملیاتی کنفدراسیون تلقی می‌گردید و یا در کتابخانه مرکزی و دانشگاهی مناطق راین - ماین<sup>۲</sup> آلمان و نیز در کتابخانه دویچ<sup>۳</sup> - که معمولاً مجموعه همه کتاب‌ها و نشریاتی که در هر دو آلمان از ۱۹۴۵ به بعد به چاپ رسیده است را در اختیار دارد - تقریباً اثری از آثار کنفدراسیون یافت نمی‌شد.

انشعابات کنفدراسیون از جمله عوامل مؤثر در از بین رفتن اسناد و مدارک مربوط به این تشکیلات است. چرا که پرونده‌ها و اسناد در بین دستجات و افراد رقیب تقسیم شده بود. به همین جهت منابع اطلاعاتی می‌بایست به صورت پراکنده از طریق مجموعه‌های شخصی رهبران و فعالین کنفدراسیون در اروپا و ایالات متحد تهیه می‌شد ولی متأسفانه هیچ یک از این افراد نتوانسته بودند مجموعه اسناد و مدارک تشکیلات خود را به صورت کامل نگهداری کنند. عواملی چون بازگشت شتابان آنها به ایران در طی انقلاب و یا برعکس مراجعت همانقدر شتابان آنها پس از انقلاب به خارج و یا به طور کلی جابجایی‌های شخصی طی یک دهه در این امر دخیل بوده است.

1. Nanterre

2. Rhine - Main

3. Deutsche Bibliothek



۲. دومین گروه اسناد و منابعی را که برای درک چگونگی تحول تدریجی سیاسی کنفدراسیون و نیز تناقضات و شکاف‌های درونی آن ضروری است، در مجموعه نشریات گروه‌های سیاسی در تبعید که مستقیماً تحت نفوذ کنفدراسیون بودند، می‌توان پیدا کرد. این نشریات عبارتند از:

الف) نشریات حزب توده ایران، از جمله روزنامه مردم که ارگان رسمی و ماهانه کمیته مرکزی حزب بود و در استکهلم سوئد منتشر می‌شد. پیکار که نشریه ویژه دانشجویی حزب توده و آرمان که نشریه ویژه «سازمان دموکراتیک جوانان و دانشجویان ایران» بود و در آلمان غربی منتشر می‌شد.

ب) سازمان‌های گوناگون وابسته به جبهه ملی ایران در خارج از کشور نیز انتشارات مخصوص خود را داشتند، از جمله باختر امروز که دوره دوم آن در مونیخ، و دوره سومش در نیویورک و دوره چهارم آن نیز در بیروت منتشر شد. ایران آزاد در آلمان منتشر می‌شد. خبرنامه جبهه ملی ایران در اروپا، پیام دانشجو که ارگان تشکیلات دانشجویی جبهه ملی بود در تهران. و نیز گزارش‌های مربوط به کنگره‌های متعدد جبهه ملی در اروپا و آمریکا نیز در زمره این گونه منابع محسوب می‌شوند.

ج) مجموعه دیگری از سایر نشریات با عناوین زیر به چاپ می‌رسید: سوسیالیزم نشریه ماهانه‌ای که ارگان جامعه سوسیالیست‌های ایرانی در اروپا بود، توده و ستاره سرخ ارگان‌های سازمان انقلابی حزب توده ایران، توفان ارگان سازمان مارکسیست - لنینیست توفان. کمونیست، ارگان سازمان انقلابیون کمونیست، حقیقت ارگان اتحادیه کمونیست‌های ایران، کارگر، کندوکاو و پیام دانشجو که توسط دو گروه ایرانی تروتسکیست به ترتیب در لندن، و اوسیتن، تکزاس منتشر می‌شد. نشریه مجاهد ارگان جنبش

آزادبخش ایران در خارج که در بلویل<sup>۱</sup>، ایلینویز مستقر بود و خرداد خونین ارگان سازمان دانشجویان مسلمان ایران که در ویلمت<sup>۲</sup>، ایلینویز منتشر می شد.

۳. رسانه‌های بین‌المللی که اخبار فعالیت‌های مربوط به کنفدراسیون را تحت پوشش قرار می دادند، سوّمین منبع اصلی هستند که با دیدی «از خارج» می بایست برای تکمیل و تصحیح و اطلاعات بدست آمده از منابع «درونی» کنفدراسیون مورد استفاده قرار گیرند. شناخته شده‌ترین این منابع عبارت بودند از لوموند، فرانکفورتر روندشاو، اکونومیست، گاردین و تایمز لندن که در دهه ۱۹۷۰، کریستین ساینس مونیتور، نیویورک تایمز و واشنگتن پست نیز بر آنان اضافه شد.

مبارزات سیاسی کنفدراسیون بیشتر با تبلیغات بین‌المللی توأم بود و تا جایی که پیام‌های این سازمان در رسانه‌های گروهی بین‌المللی بازتاب گسترده‌ای داشت، می توانست ادعای پیروزی نماید. به تدریج در طول دهه ۱۹۶۰، سازمان موفق شد تا مورد تأیید و شناسایی مطبوعات اروپایی نیز قرار گیرد. روزنامه فرانسوی لوموند از جمله با نفوذترین روزنامه‌هایی بود که اخبار و اطلاعات مربوط به گروه‌های اپوزیسیون ایرانی و از جمله کنفدراسیون را به طور منظم تحت پوشش خبری خود داشت. در اوایل سال‌های دهه ۱۹۷۰ کنفدراسیون موفق شد تا به طور غیررسمی نظر روزنامه پرتیراژ فرانکفورتر روند شاو را نیز به خود جلب نماید به طوری که این روزنامه فعالیت‌های سازمان مزبور را منعکس می کرد.<sup>۳</sup> در ایالات متحده و در طی سال‌های ۱۹۷۰ روزنامه‌هایی که از

1. Belleville

2. Wilmette

۳. کنفدراسیون اغلب اخبار و اطلاعات مربوط به فعالیت‌های اپوزیسیون ایرانی در خارج از کشور را که در مطبوعات نچاپ می رسید جمع‌آوری می کرد و مجموعه این اطلاعات را به

وضعیت داخل ایران انتقاد می‌کردند از شمار اندکی برخوردار بودند اما همان‌گونه که در فصول بعدی ملاحظه خواهد شد اینگونه انتقادات در اواسط همین دهه رشد شتابانی پیدا کردند.<sup>۱</sup>

۴. اخبار و گزارش‌های مربوط به کنفدراسیون که در مطبوعات تحت سانسور ایران منتشر می‌شد، یک منبع اطلاعاتی متفاوت و در عین حال غیرقابل چشم‌پوشی به حساب می‌آید. در این دوران مطبوعات تحت کنترل شدید دولت بودند و بنابراین طبیعی است که اخبار مربوط به مخالفت‌های دانشجویان خصمانه و تحریف شده در آنها منعکس شود. با این حال تداوم انتشار چنین اخباری نشانگر آن است که رژیم شاه تا چه اندازه نسبت به اپوزیسیون خارج از کشور حساس و از آن نگران بوده است. به همین جهت از دو روزنامه معروف تهران یعنی کیهان و اطلاعات و نیز کیهان و اطلاعات هوایی که دوتای آخری اخبار و گزارش‌های بیشتری را در رابطه با دانشجویان خارج از کشور منعکس می‌کردند نیز استفاده شده است. رسانه‌های گروهی ایران به طور منظم سخنی از اپوزیسیون خارج از کشور به میان نمی‌آوردند اما به مناسبت‌هایی مطبوعات و رادیو تلویزیون

→

صورت جزوات و یا کتابچه‌های در می‌آورد که به ندرت در کتابخانه‌ها نگهداری می‌شدند. البته یک مورد استثنایی مربوط به *Documents on the Pahlavi Reign of Terror in Iran* که گزارشات شاهدان عینی و سرمقالات روزنامه‌ها است (مرکز اسناد و کنفدراسیون دانشجویان ایرانی، اتحادیه ملی در فرانکفورت) که شامل گزیده اخبار و اسنادی است که در رابطه با ایران طی سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۱ از منابع فرانسوی، انگلیسی، ایتالیایی و آلمانی تهیه شده است.

۱. برای آگاهی بیشتر رک به:

William A. Dorman and Mansour Farhang, *The U.S. Press and Iran: Foreign Policy and the Journalism of Deference* (Berkeley and Los Angeles: University of California Press, 1987); and Hamid Nafisi, *Iran Media Index* (Westport, Conn. and London: Greenwood Press, 1984).

برنامه‌های تبلیغاتی ویژه‌ای را تدارک می‌دیدند و گروه‌ها و سازمان‌های مختلف اپوزیسیون از جمله کنفدراسیون را آماج حملات خود قرار می‌دادند. رژیم اغلب ادعا می‌کرد که مخالفینش جوانانی گمراه و آلت دست هستند که توسط تنی چند از خیانتکاران حقوق‌بگیر عوامل بیگانه، توطئه‌ای بین‌المللی را علیه ایران تدارک دیده‌اند. در بیشتر مواقع این برنامه‌های تبلیغاتی عبارت بود از «اعترافات» اعضای دستگیر شده اپوزیسیون و یا عوامل اطلاعاتی ساواک که در نقش اعضای اپوزیسیون ظاهر می‌شدند و پس از ابراز ندامت از کرده‌های خویش، نسبت به رژیم اظهار وفاداری و علیه مخالفین رژیم موضع‌گیری می‌کردند. نمونه بارزی از این نوع تبلیغات همان‌گونه در فصل هشتم این بررسی ملاحظه خواهد شد در سال ۷۱ - ۱۹۷۰ صورت گرفت و طی آن کنفدراسیون شدیداً مورد حمله رژیم قرار گرفت و غیرقانونی اعلام شد.

در سال ۱۹۷۷ مبارزه تبلیغاتی وسیع دیگری علیه مخالفین و به‌ویژه کنفدراسیون تدارک دیده شد، در این مبارزه، رژیم با دقت زیاد - هر چند از نظر سیاسی تحریف شده - سعی داشت به صورت سلسله‌مقالاتی در روزنامه‌های اطلاعات، کیهان و نیز کیهان انترنشنال چگونگی تشکیل کنفدراسیون، تاریخچه و فعالیت‌های آن و ارتباطش با گروه‌های سیاسی مختلف را مورد بررسی قرار دهد. بعدها این مقالات به صورت کتابچه‌ای با عنوان اسرار فعالیت‌های ضد ایرانی در خارج از کشور و با عنوان انگلیسی اتحاد ارتجاع و تروریسم؛ افشای داستان نزدیک به پانزده سال فعالیت‌های ضد ایرانی در خارج از کشور به چاپ رسید.

۵. برای به پایان بردن این بررسی لازم آمد تا با استفاده از روش تحقیق تاریخ شفاهی که دربرگیرنده مصاحبه‌های شخصی با رهبران کنفدراسیون و دانشجویان سابق که در زمره فعالین سیاسی آن دوران بودند به یک سری منابع اطلاعاتی جدید و بکر دست یافت. بخش مطالعات تاریخ

شفاهی دانشگاه هاروارد کارهای برجسته‌ای در زمینه تاریخ شفاهی انجام داده و از جمله مصاحبه‌هایی با مهدی خانابا تهرانی و خسرو شاکری رهبران پیشین کنفدراسیون صورت داده است.<sup>۱</sup> این‌گونه مطالعات که مبتنی بر تاریخ شفاهی است از نظر روش، راهنمای بسیار خوبی به حساب می‌آید، اما من در این زمینه روشی را در پیش گرفتم که در عمل برای این نوع کار تحقیقاتی راه بسیار مناسبی از کار درآمد. روش کاری من مصاحبه‌ای کاملاً باز و آزاد بود، یعنی بی‌آنکه خیلی وارد جزئیات شوم از مصاحبه‌شوندگان می‌خواستم ابتدا خودشان را معرفی، موقعیت اجتماعی و خانوادگی خود را توضیح داده و علت و چگونگی فعالیت‌های سیاسی خود را در کنفدراسیون به طور کامل بیان کنند. سعی داشتم در زمان توضیح دادن مطالب دخالتی در گفته‌های آنان نداشته باشم مگر در مواردی خاص که سؤالاتی مشخص را مطرح می‌کردم و یا در مواردی دیگر که برای باز شدن مطلب توضیح بیشتری می‌خواستم. با توجه به محدودیت زمان، منابع و دسترسی به افراد، هدف من این بود تا آنجا که ممکن است روایت‌های کامل و مستقل از تاریخچه کنفدراسیون را از دید افرادی که بالاترین و بیشترین تجارب شخصی را در رابطه با این تشکیلات داشتند، بدست آورم. این مصاحبه‌ها بسیار مفید واقع شدند چون از طرفی استفاده از «تجربیات زنده» فعالین کنفدراسیون برای بازسازی تاریخچه این تشکیلات لازم بود و از طرف دیگر این نوع مصاحبه‌ها به بسیاری از سؤالات بدون جواب پاسخ می‌داد و بعضی از اشکالاتی را که در آثار مکتوب موجود بود برطرف می‌کرد. علاوه بر این،

1. Habib Ladjevardi, *Reference Guide to the Iranian Oral History Project* (Cambridge, Mass., Harvard University Press, 1987);

و نیز رک به حمید شوکت، نگاهی از درون به جنبش چپ ایران: گفتگوبها مهدی خانابا تهرانی (Saarbrücken, Germany: Baztab Verlag)

بسیاری از مصاحبه‌شوندگان به طور همزمان هم در کادر رهبری کنفدراسیون فعال بودند و هم در تشکیلاتی مثل حزب توده، جامعه سوسیالیستها و نیز گروه‌های مختلف جبهه ملی و گروه‌های مائوئیستی. این گروه‌ها نیز در دوران فعالیت‌های خود و در مقاطع مختلف نفوذ زیادی بر کنفدراسیون داشتند و به همین جهت اظهارات آنان برای درک پیچیدگی تأثیرات متقابل کنفدراسیون بر دیگر سازمان‌های سیاسی، جنبه حیاتی داشت.<sup>۱</sup>

همانگونه که در مورد منابع مکتوب روش کاری من بود، در مورد منابع شفاهی نیز سعی داشتم تا آنجا که ممکن است طیف وسیعی از گروه‌های سیاسی دانشجویی را مورد بررسی قرار دهم. در هر دوی این موارد این احتمال وجود دارد که بعضی گروه‌ها بیشتر مطرح شوند. چنین امری به خود منابع موجود و نیز ویژگی‌های افراد مصاحبه‌شونده بستگی داشت و نه سلیقه شخصی من. لازم به یادآوری است که همه افراد مصاحبه‌شونده بدون در نظر گرفتن زمینه‌ها و وابستگی‌ها و علائق سیاسی شخصی خود در مورد چهارچوب اصلی تاریخچه کنفدراسیون با یکدیگر اتفاق نظر داشتند. بدین ترتیب برآیند روایات شفاهی و آراء کلی افراد مختلف، همراه با جزئیات دقیق اطلاعات منابع مکتوب تلفیق شد و نتیجه کار به صورت آنچه که در دست است منعکس گردید. گاهی ناچار می‌شدم موضوع مشخصی را که فقط از یک منبع بدست آمده بود به متن اضافه کنم اما به طور کلی ارائه مطالب و شرح وقایع به چندین منبع مختلف که دارای وحدت نظر بودند متکی هستند.

۱. البته درست این بود که با تمام رده‌های بالا و پائین کنفدراسیون مصاحبه‌هایی صورت می‌گرفت و نیز با کسانی که در رسانه‌های بین‌المللی و نیز در سازمان‌های حقوق بشر و تشکیلات حقوقی مرتبط با مبارزات کنفدراسیون فعالیت داشتند و همچنین با وابستگان سیاسی و عناصر اطلاعاتی وابسته به رژیم شاه. ولی در هر حال انجام چنین کاری با توجه به محدودیت‌هایی که برای تهیه یک پایان‌نامه وجود داشت در عمل ممکن نبود.